

سپهرغرب، گروه زیست بوم – عباس سریشی: اگر به گفته مسئولان، با هر فرایند ساخت‌وساز به‌شدت برخورد می‌شود پس این‌همه پروژه‌های ریز و درشت و گسترده از کجا و چگونه مثل قارچ از زمین سبز می‌شوند؟

امروزه ساخت‌وسازهای غیر مجاز در حریم شهرها، ازجمله پدیده‌هایی است که به‌دنبال تحولات ساختاری و بروز موضوعاتی همچون گسترش سریع شهرنشینی و کمبود زمین همراه با زد و بندها، لابی‌گری، اعمال نفوذ اشخاص حقیقی و حقوقی، دلالتان، زمین‌خواران و متصرفان در ادارات و سازمان‌های متولی به‌وفور در کشور ما رواج یافته و دیده می‌شود.

البته هرچند از منظر برخی کارشناسان و در روزگاری که شاهد توسعه پرسرعت شهرها هستیم ساخت‌وساز غیرمجاز در حریم شهرها، بروز تغییرات کالبدی، زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی در نواحی شهری امری اجتناب‌ناپذیر است اما قطع به‌یقین گسترش این پدیده در کوتاه زمان می‌تواند علاوه بر اثرات نامطلوبی همچون بالا رفتن قیمت زمین و ایجاد رانت‌های اقتصادی، موجب تخریب سیمای کالبدی شهر، از بین رفتن منابع، تعرض به حریم رودخانه‌ها و در نهایت افزایش آلودگی‌های زیست‌محیطی و متعاقباً بسترسازی برای بروز برخی سوانح و رویدادهای ناخوشایند شود؛ بنابراین بسیار ضروری است که آثار و پیامدهایی که متأثر از این رویه در حریم شهری به‌وجود می‌آید به‌صورت جدی مورد بررسی قرار گیرد تا زمینه لازم برای جلوگیری از گسترش آن‌ها میسر شود.

از منظر صاحب‌نظران خطر ناپودی بافت و عرصه‌های منابع طبیعی در پی افزایش ساخت‌وسازهای بی‌ضابطه و تبعات فرهنگی و اجتماعی ناشی از این دست‌اندازی‌ها به‌نوعی چپاول ثروت‌ها و سرزمین‌های عمومی قلمداد می‌شود که البته شاید از نظر برخی این موضوع هنوز فاقد حساسیت خاص نبوده و یا به‌صرف چند ساخت‌وساز محدود نباید به آن امانی واقع کرد؛ بااین‌حال این است که حتی وجود حداقلی این گونه دست‌اندازی‌ها و دست‌بردها نیز می‌تواند زمینه‌ساز بروز پیامدها و اثرات وسیع و ناسوایی در کلیت اکوسیستمی شهر، استان و متعاقباً کشور ما باشد.

موضوع این است که تخریب عرصه‌ها، باغات، جنگل‌ها و محیط زیست تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی نه‌فقط باعث کاهش سرمایه‌های طبیعی بلکه به لحاظ فرهنگ و آداب و ساختار نیز باعث ویرانی و فراموشی شاکله بومی شهرها و جوامع نیز خواهد شد و در حالی که به همان میزان که جامعه به توسعه و پیشرفت و مدرنیته نیازمند است اما باید هویت بومی و اصیل خود را نیز حفظ کرده و از اصالت خود در جریان رو به رشد دنیای حاضر دفاع کند زیرا ساخت‌وسازهای بی‌رویه یا غیرمجاز اصالت فرهنگی طبیعی و ساختار اکوسیستمی شهر را تحت تأثیر قرار داده و آرام‌آرام هویت، اصالت و خرده‌فکته‌های آن را دچار آسیب جدی و بروز نوعی از سردرگمی فرهنگی خواهد کرد.

صاحب‌نظران بر این باورند که این حجم گسترده تخریب و تغییر کاربری و تجاوز به محیط زیست و عرصه‌های منابع طبیعی در کشور ما در اصل نتیجه بی‌تفاوتی مسئولان و بعضاً خود مردم است که به‌رغم اطلاع از پیامدهای آن اما به‌دلیل کسب منافع مالی هیچ‌کس عزم جدی را برای مبارزه با این تخلفات در دستور کار قرار نمی‌دهد و حتی برخی برخورد‌های دوره‌ای نیز بیشتر برای بستن دهان منتقدان است تا اراده‌ای واقعی برای برخورد با دست‌اندازان به طبیعت و عرصه‌های عمومی.

در واقع شرایط به‌گونه‌ای است که گویا مردم و مسئولان (هرکدام به سهم خود) نه‌فقط برای تخریب و سوءاستفاده فراوان از انفال و منابع طبیعی در یک رقابت تنگاتنگ قرار گرفته‌اند بلکه به‌نوعی قصد ربودن گوی سبقت این تخریب و تصاحب را نیز از یکدیگر دارند دلیل بر اینکه به‌رغم همه ممانعت‌ها و قوانین مصوبی است که در قضااتی در خصوص لزوم جلوگیری از این روند اما رشد بی‌رویه ساخت‌وسازهای غیرمجاز، نه‌فقط این مناطق را به عرصه‌هایی بی‌فواره و تهی از فضای سبز تبدیل کرده بلکه به‌موازات معضلات فرهنگی و اجتماعی آن‌ها را نیز با مجموعه‌ای از مخاطرات طبیعی ازجمله رانش زمین، سیل، زمین‌لرزه و... مواجه خواهد کرد.

■ **عرصه‌ها و محیط زیستی که آشکارا در مقابل چشم از بین می‌روند**

و اما سال‌های سال است که ساخت‌وسازهای غیرقانونی در مناطق مشجر همدان اعم از دره‌مرادیگ، سیلوار روستاهای

طبیعت همدان قربانی دست‌بسته لابی‌گری تفسیر به رأی و خلأهای قانون...!

چیشین، ابرو، عباس‌آباد، حیدره و... در قالب تغییر کاربری، احداث بنا، دیوارکشی فنس‌کشی، کرت‌بندی، تراس‌بندی، تعمیرات و نوسازی، تعمیرات جزئی و اساسی، ترمیم دیوار و دیوارکشی، احداث و مرمت بنا، نصب آلاچیق و سایه‌بان، احداث انباری و سرویس بهداشتی، احداث اتاق کارگری و خانه باغی و... در حال آسیب رساندن به طبیعت و تضییع حقوق بیت‌المال است.

البته در همین مدت نیز به گفته مسئولان با پیگیری‌های صورت‌گرفته از سوی نهاده‌ها و سازمان‌های متولی تعدادی از این ابنیه پلمب و ساخت‌وسازهای غیرمجاز تخریب شده و یا ضمن ضیق وسایل اقدام به صدورخطاریه برای قانون‌شکنان شده واین روند با افزایش تعداد گشت‌های خودرویی و موتوری شبانه‌روزی و نظارت بر ساخت‌وسازها با قوت هرچه تمام ادامه داشته و در این رابطه با کسی تعارف و اغماض نمی‌شود اما...

اما واقع امر این است که به‌رغم همه تلاش‌های فوق با توجه به حجم گسترده ساخت‌وسازهای صورت‌گرفته قبلی و یا در حال ساخت به انضمام وسایل ساخت و ساز و تعداد خطاریه‌های قضائی نه‌فقط

نمی‌توان به این آسانی باور کرد که داستان تخریب و چپاول منابع و عرصه‌های طبیعی در این مناطق کنترل شده و یا خطر خاصی

■ **چه کسی، کجا و چطور...؟**

اما این روزها با گشت‌وگذار در گوشه و کنار مناطق مشجر همدان مثل دره مرادیگ، سیلوار، روستاهای چیشین، ابرو،

زیست‌بوم

طبیعت همدان قربانی دست‌بسته لابی‌گری تفسیر به رأی و خلأهای قانون...!

البته برخی صاحب‌نظران حقوقی بر این عقیده‌اند که وجود خلأهای بسیار زیاد در ساختار نظام قضایی و نیز تفسیر به رأی قانون از سوی هر نهاد به‌صورت مستقل نیز راه را برای بسیاری از این افراد آسان کرده و عمده متخلفان با اطلاع از رویه کار نگران برخی برخوردها و حتی تخریب‌ها نیستند زیرا بعد از اجرای حکم تخریب و یک توقف چندماهه دوباره شروع به کار کرده و طرح نیمه‌تمام را بر روی همان پی‌کنی‌ها و فونداسیون‌های از قبل ریخته شده و صد البته با سرعت تمام تکمیل و نهایتاً با پرداخت جریمه به مراد دل خود می‌رسند که در هر صورت این متخلفان و متجاوزان به طبیعت و رشوه‌گیران هستند که پیروز می‌شوند نه قانون و مجریان صادق و قانونمدار.

■ **این روند ادامه دارد زیرا...!**

و اما شواهد موجود گواه این واقعیت است که به‌رغم همه هشدارها، برخوردها، تخریب‌ها، صدور خطاریه‌ها و یا پلمب پروژه‌ها متخلفان نه‌تنها دست از کارهای خود نکشیده‌اند بلکه به نوعی نیز شاهد افزایش این رویه (ساخت و ساز در مناطق ممنوعه تغییر کاربری و...) هستیم. این موضوع بیشتر از آنکه بازگوکننده جنبه منفعت‌طلبی مالکان و سازندگان باشد بیانگر خلأهای بسیار زیاد قانونی و ضعف‌های نظام‌کنترلی ماست درواقع حتی کار به جایی رسیده که به باور برخی سازمان‌ها و نهاده‌ا نیز به دلیل شکل کاری خود به نوعی در بروز این مسئله دخیل بوده و بر آتش آن دامن می‌زنند.

اینکه وقتی به گفته برخی مسئولان یکی از دلایل ساخت‌وسازهای غیرمجاز کم بودن جریمه‌های کمیسیون ماده ۱۰۰ است که امیدواریم با افزایش جریمه‌های کمیسیون ماده ۱۰۰ شاهد کاهش ساخت و ساز بدون پروانه باشیم لاجرم دو نتیجه به ذهن خطور نمی‌کند. نخست اینکه جریمه محلی برای افزایش درآمد‌های شهرداری است که اصطلاحاً هرچه بیشتر بهتر و دوم پرداخت جریمه‌های کم تبدیل به راه‌گریزی قانونی برای متخلفان است تا به استناد پرداخت آن این بار به‌صورت قانونی به کار خود ادامه دهند.

در عین حال به‌دلیل موازی بودن قانون و سازمان‌هایی که باید به این موضوعات رسیدگی کنند آن‌قدر فرصت و فضا هست که متخلفان به‌راحتی می‌توانند تخلف کنند و به سمت منافع شخصی و بر خلاف نفع عمومی حرکت کنند بدین معنا که وقتی ما روند تصمیم‌گیری و اجرا را بر عهده چند شخص حقیقی و چند نهاد قانونی گذاشته‌ایم این موضوع باعث می‌شود تا مردم خلأ‌ها وگریزگاه‌های بیشتری را پیدا کنند که طبیعتاً همین امر نیز موجب افزایش ناهنجاری‌هاست.

حالا البته بحث به‌روزرسانی قوانین و تعیین تکلیف و تشریح شرح وظایف و حیطه مسئولان هم موضوعی است که باید بدان توجه داشت اینکه می‌تلبد با ایجاد تغییرات در قانون ماده ۱۰۰ یک وحدت رویه برای کل کشور در نظر گرفته شده و ظرفیت‌های قانونی مندرج در این کمیسیون از سوی همه اعضا مورد توجه قرار گیرد و اعضای کمیسیون ماده به یک توافق مشترک در ارتباط با آرا برسند. اینکه نمی‌شود که هر یک از اعضا تصور کنند در این امر مختار کامل بوده و می‌تواند بر اساس منفعت و مصلحت سازمان خود و یا به اندازه سهام دریافتی از منافع و مواهب این کار، اقدام به صدور پروانه و مجوز ساخت کند. همچنین در این میان بحث فعالان صنفی حوزه خرید و فروش ملک و یا حوزه فعالیت دهیاران و توانش‌های آنان در تسهیل بروز این مسئله نیز به جای خود بسیار تأمل دارد که نباید از آن غافل بود.

نکته بسیار حائز اهمیت این است که هرچند هر از چندگاه و بر اساس احکام قضائی ساخت‌وسازهای غیرقانونی تخریب شده و متخلفان جریمه می‌شوند اما نباید غافل بود که نه‌فقط با هر میزان تخریب و جریمه خسارت وارده جبران نمی‌شود بلکه میزان و حجم این مجازات‌ها نیز آنگونه نیست که باعث درس عبرتی برای دیگران شده تا دیگر به‌صورت غیر قانونی اقدام به ساخت و ساز نکنند.

موضوع این است که وقتی قانون فقط تا مرحله تخریب و یا پلمب پروژه نیمه کاره پیش رفته و برای پاکسازی محیط و احیا مطابق اصل آن طرحی ندارد لاجرم خود این مدل برخورد نصفه و نیمه باعث ایجاد فضای آشوب‌زدن و مخروبه وارد طبیعت شده و عملاً لاجر بار منفی ثمری را در پی نخواهد داشت که این موضوع نیز جزء خلأهای قانونی و نقاط ضعفی است که غیر مستقیم سبتر را برای بازسازی همان بنا و البته بدون مشکل کمتر فراهم می‌کند.

سبز می‌شوند؟ در عین حال این افراد بر اساس چه نقطه اتکا و اطمینانی دست به این ساخت‌وسازهای پر هزینه و چند صد میلیونی و حتی چند میلیاردی می‌زنند؟ اینکه آیا باید بپذیریم در پشت پرده این بازی دزد و پلیسی دست‌های پیدا و پنهانی وجود دارد و یا این همه تبلیغات و سخنانی در خصوص جلوگیری و برخورد بیشتر نمایشی است عامه‌پسند تا چیز دیگر...!

اینکه به گفته برخی منتقدان و آگاهان و جدا از قوانین و مصوبات کاغذی اما داستان ساخت‌وسازهای گسترده در مناطق مشجر و اصطلاحاً بیلاقی همدان نه شترسواری است که بتوان تکذیب و پنهانش کرد و نه خورشیدی که بتوان با دست جلوی آن را گرفت گو آنکه برخی بهانه‌ها و حرف و حدیث‌های ساده‌انگارانه معدودی از مسئولان هم که با هر دلیلی به‌دنبال پاک کردن صورت‌مسئله و یا توجیه وضعیت موجود هستند نیز انقدر نخم‌نا شده که به گوش کسی نمی‌رود.

این منتقدان بر این باورند که اساساً افراد عادی (خرده مالکان و باغداران) به دلیل عدم توان مالی و یا فقدان قدرت ریسک‌پذیری هیچ‌گاه دست به چنین کاری نمی‌زنند بلکه تنها افرادی اقدام به ساخت واحدی چند

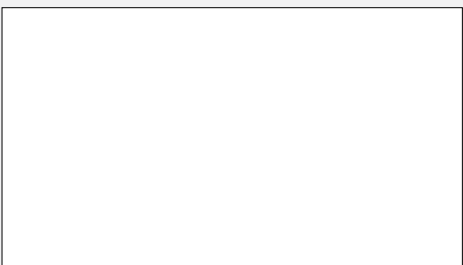


طبقه در این مناطق می‌کنند که قطع به یقین مجوزهای لازم را به هر شکل (قانونی و یا غیر قانونی) گرفته‌اند و با به هر دلیلی اساساً خیالشان راحت است که در مسیر تکثیر پروژه با مشکل خاصی مواجه نخواهند شد. درواقع این افراد با چراغ سبز نهاده‌ها و زد و بندهای عناصر نفوذی و قدرتی این کارها را می‌کنند و در عین حال بهتر از من و شما می‌دانند که چطور از تنگنای‌های بعدی و با کمترین هزینه عبور کنند.

در عین حال و در خصوص این ادعای مسئولان که عنوان می‌شود متخلفان با خودروی شخصی از بی‌ابراهه مصالح مورد نیاز خود را به محل ساخت و ساز حمل می‌کنند بسیاری از ساکنان و مالکان این مناطق و همچنین صاحب‌نظران معتقدند شاید بشود در یک حجم بسیار کوچک و طی چند مرحله این کار را کرده اما در نهایت هیچ عقل سلیمی قبول نمی‌کند که بشود مصالح برپا کردن یک واحد آپارتمان را که مشتمل بر ده‌ها شاخه تیرآهن و میلگرد؛ دهه‌تا تن سیمان و ماسه، هزاران آجر و بلوک، صدها متر سنگ نما و... است را با ماشین شاسی بلند و از کوره راه برد. در حقیقت این مصالح با کامیون و از جلوی چشم مراقبان و پایشگران عبور می‌کند حالا البته بماند که با تأسیس واحدهای بلوک‌زنی و بتن‌سازی در داخل محدوده‌های قرق هم بسیاری از افراد می‌توانند مصالح خودرا بدون دغدغه و از همان‌جا تهیه کنند.

حالا اما دراین بین نیز برخی تعارف را کنار گذاشته و صراحتاً عنوان می‌کنند که در برخی موارد هزینه‌کرد چند میلیون تومان ناقابل برای باز کردن مسیر، صدور مجوز، راضی کردن دهیار و... در مقابل پروژه‌ای که صدها میلیون تومان هزینه می‌برد هم رقمی نیست که مالکان و سازندگان بناهای غیر قانونی بخواهند از پرداخت آن واهمه‌ای داشته باشند پس شل کردن سر کیسه در بسیاری جاها به‌مراتب راحت‌تر از کثیف کردن صندلی خودروی لوکس و گران‌قیمت برای بردن چند هزار بلوک و صدها کیسه سیمان است.

بی‌قانونی، زیست‌بوم شهری را تهدید می‌کند



سپهرغرب، گروه زیست بوم؛ یک دکترای طراحی شهری گفت: نظام اداری و به تبع آن، نظام شهرسازی کشور، قوانین تنبیهی ندارد؛ بنابراین دست‌اندازی به طبیعت در حریم شهرها به امری عادی تبدیل شده و این روند مخرب در الگوها و رویکردهای ساخت‌وساز درون‌شهری نیز رسوخ پیدا کرده است.

حسن سجاذزاده اظهار کرد: معضلات زیست‌محیطی و آلودگی‌های شهری، بخش اعظمی از نظام مدیریتی و برنامه‌ریزی شهرهای ایران را درگیر خودش کرده است و شهرهای ما هرساله به‌طور مستقیم و غیرمستقیم هزینه زیادی را صرف کنترل تبعات ناشی از معضلات زیست‌محیطی می‌کنند. وی افزود: شهر و محیط پیرامون آن، یک سیستم به هم پیوسته و منسجم است که باید در یک قاب و در قالب یک دیدگاه منسجم، دیده شود.

این دکترای طراحی شهری گفت: تمام فرآیندها و روندهای شهری، برنامه‌ها، طرح‌ها، در قالب یک نظام مدیریتی قابل کنترل است اما خلأهای قانونی و نبود قانون مدیریت یکپارچه، آسیب زیادی بر انسجام نظام شهری وارد می‌کند.

سجاذزاده تصریح کرد: انسجام نظام شهری بر مبنای اصول شهرسازی، توسعه پایدار، برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای از رشد نامتوازن شهر، تخریب طبیعت و روندهای مخرب جلوگیری می‌کند؛ در حالی که امروزه شاهد هستیم قوانین حوزه شهرسازی و معماری نه‌تنها در بسیاری موارد به درستی تنظیم نشده است، بلکه در مرحله اجرا و نظارت نیز فرآیند مطلوبی را طی نمی‌کند.

وی تأکید کرد: نظام اداری و به تبع آن نظام شهرسازی کشور ما قوانین تنبیهی ندارد و دست‌اندازی به طبیعت در حریم شهرها به امری عادی تبدیل شده و روند در الگوها و رویکردهای ساخت‌وساز درون‌شهری نیز رسوخ پیدا کرده است. این دکترای طراحی شهری گفت: ادامه این روند مخرب، سلامت شهروندان، گونه‌های گیاهی و جانوری شهری و برون‌شهری را با تهدید مواجه می‌کند و موجب فروپاشی محیط‌زیست می‌شود.

ابتکار شهر فنلاندی برای کاهش CO۲ و تامین گرمای پاک



سپهرغرب، گروه زیست‌بوم؛ کمپانی مایکروسافت و شرکت برق فورتوم فنلاند برای تسریع انتقال دیجیتال فنلاند با یکدیگر همکاری کرده‌اند؛ طی این پروژه، گرمای هدررفته در مرکز داده مایکروسافت توسط شرکت انرژی فنلاند به مناطق شهری منتقل می‌شود.

کمپانی نرم‌افزاری مایکروسافت و شرکت انرژی فورتوم برنامه‌های خود را برای همکاری در پروژه‌ای اعلام کردند که تحول دیجیتال و انتقال انرژی را در فنلاند سرعت می‌بخشد. به‌طور خاص، مایکروسافت مرکز داده جدیدی را در شهر اسپو افتتاح خواهد کرد که با عملیات ویژه شرکت فورتوم، قابلیت فراهم کردن گرمایش پاک برای خانه‌ها و اماکن تجاری این منطقه را خواهد داشت.

روش همکاری این دو سازمان به این ترتیب است که شرکت انرژی فنلاند گرمای اضافی تولید شده توسط منطقه مرکز داده مایکروسافت را جذب خواهد کرد. از آنجا، گرمای تمیز (گرمایی که بدون انتشار CO۲ به دست آمده است) که طی فرآیند خنک‌سازی سرور به دست آمده است، به شهرها منتقل می‌شود.

مارکوس راوارامو، رئیس شرکت انرژی فنلاند در مورد این پروژه مشترک گفت: «آگاهی اوقات پایدارترین راه حل‌ها، ساده‌ترین آن‌ها است؛ با بهره‌برداری از گرمای اتلافی از مراکز داده، می‌توانیم انرژی گرمای تمیزی برای خانه‌ها، مشاغل و ساختمان‌های عمومی در اسپو و شبکه‌های گرمایش منطقه‌ای در فنلاند فراهم کنیم و حدود ۴۰۰ هزار تن انتشار سالانه CO۲ را کاهش دهیم. این اقدام، گام مهمی برای داشتن جهانی پاک‌تر است که با جابه‌طلبی مشترک ما برای کاهش تغییرات آب‌وهوایی ممکن شد.»

طبق گفته شرکت فورتوم، جذب گرمای هدررفته از پردازش زباله و فرآیند خنک‌سازی سرورهای مایکروسافت باعث می‌شود حدود ۶۰ درصد از گرمایش منطقه توسط گرمای سازگار با آب‌وهوا ایجاد شود. سنا مارین، نخست‌وزیر فنلاند، از همکاری فورتوم و مایکروسافت تمجید کرد و گفت که این همکاری رشد دیجیتالی کشور را تسریع می‌کند و سیستم انرژی آن را سبزتر خواهد کرد. داده جدید، موقعیت اسپو را به‌عنوان یک پیشگام نوآور در توسعه پایدار بیشتر تقویت می‌کند. رقابت شدیدی در جهان برای سرمایه‌گذاری در مراکز داده وجود دارد، اما در نتیجه همکاری عالی و محیط سرمایه‌گذاری، راه‌حلی ایجاد شد که برای همه از مقامات گرفته تا مردم محلی سود می‌برند.»

ماکلا در توضیح دیدگاه خود به اشتراک گذاشت که استفاده از گرمای هدررفته پاک به‌عنوان گرمایش منطقه‌ای به شهرداری این امکان را می‌دهد که تا سال ۲۰۴۰ به هدف خود مبنی بر کربن خنثی شدن دست یابد.